

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

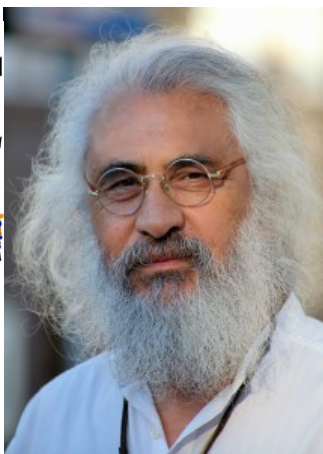
Arts & Music

هنر و موسیقی

بهرام رحمانی
۰۸ نومبر ۲۰۱۹

دنیا خانه من است چهاردهمین جشنواره بین المللی سینمای تبعید

«جشنواره جهانی سینمای تبعید» (International Exile Film Festival)، یک جشنواره سینمایی مستقل و متفاوت در سویدن است که هر دو سال یک بار در شهر گوتنبرگ سویدن برپا می شود. جشنواره جهانی سینمای تبعید، در آغاز با عنوان «جشنواره سینمای ایران در تبعید»، تنها به ساخته های سینماگران مهاجر ایرانی اختصاص داشت ولی از سال ۱۹۹۳ حیطه فعالیت خود را به آثار همه فلم سازان تبعیدی یا آثار فلم سازان با موضوع تبعید اختصاص داده است.



تالار هاگابیون، محل دفتر و از تالارهای اصلی جشنواره در مرکز گوتنبرگ است که مدیریت این جشنواره حسین مهینی به عهده دارد.

این جشنواره که ابتدا کار خود را با فلم های ایرانی شروع کرده بود، به یک فستیوال بین المللی تبدیل شده است. این جشنواره در ارتباط با مسائل جاری دنیا، و به لحاظ مضمون و محتوا متفاوت است؛ به ویژه شرایطی که عامل و اساس پناهندگی است و انسان ها از جمله فلم سازان به خاطر سرکوب و سانسور و اختناق در جامعه شان، راه تبعید را در پیش می گیرند تا در گوشه دیگری از جهان، آرمان ها و آرزوهای خود را تحقق بخشند.

چهاردهمین دوره جشنواره سینمای تبعید، بین روزهای هشتم الی چهاردهم نومبر ۲۰۱۹ در شهر گوتنبرگ - سویدن، برگزار خواهد شد.

در طول یک هفته، شصت فیلم در چهارچوب ده برنامه مختلف در هشت سینما و مرکز فرهنگی معتبر به نمایش گذاشته می شود.

طبق اطلاعیه جشنواره سینمای در تبعید، مراکز برگزاری جشنواره عبارتند از: سینما دراکن، سینما روی، سینما هاگا، سینما آنگرد، خانه ادبیات جهان، مرکز فرهنگی هامارکولن، مرکز فرهنگی ویکتوریا و مرکز فرهنگی سلما لاگرف. برنامه های جشنواره:

در این دوره، علاوه بر برنامه های اصلی «تبعید تجربه ای جهانی» که در آن آثار سینماگران تبعیدی و مهاجر، با تم ها و موضوع های آزاد به نمایش در می آیند، برنامه های ویژه و جنبی نیز تدارک دیده شده است. از جمله:

- روماداری (Tolerance) برنامه ویژه علیه تعصب ها و نفرت های قومی - ملی، مذهبی و نژادی
- دیوارها - برنامه ای درباره سدها و موانعی که در راه رسیدن پناهجویان به سرزمین های حداقل امن و تامین جانی آن ها جلوگیری می کنند، از جمله دیوار مکزیک، دیوار غزه و ...
- و تاثیر این دیوارها بر انسان های دو سوی دیوار!
- انقلاب زنانه درباره مبارزات زنان، به خصوص در خاورمیانه و نقش محوری آن ها در این مبارزه ها:
- از جمله فلم هائی درباره روزآوا، مبارزات زنان در کشورهای عربی و افغانستان.
- پرتره تبعید

مجموعه سه گانه درباره زندگی و کار شاعران و نویسندگان در تبعید و تاثیر تبعید بر زندگی و آثار آن ها در این برنامه سه فلم به نمایش گذاشته می شود:

- ترانه تبعید: درباره زندگی و آثار نسیم خاکسار
- سرزمین های ناآشنا: درباره زندگی آدونیس شاعر سوریه ای
- ناظم حکمت: سرود تبعید - درباره زندگی و شعر ناظم حکمت
- هر سه برنامه همراه با اجرای آواز زنده از کشورهای مربوطه می باشد.
- برنامه های جنبی:

- اودیسه آزادی - اودیسه سینمائی
- سفری سینمائی در جستجوی آزادی و عدالت اجتماعی، اعتراض به توسعه طلبی و نظم نوین جهان
- نگاهی دیگر بازشناسی چگونگی نگاه فلم سازان تبعید و غیر مهاجر به تبعید و مهاجران.
- «در گستره اودیسه گریز ناپذیر بشر امروزی، و در این فصل های گسست و پیوست، فصل های باور و تردید، و فصل های جستجو، و در امتداد هم نگاه ها و هم صداها، برگزاری چهاردهمین دوره جشنواره سینمای تبعید را آغاز می کنیم. جشنواره ای که در طول سال های برگزاری خود، تلاش کرده است که صحنه آزادی باشد برای انعکاس آثار سینماگران تبعیدی، مهاجر و مترقی، که همانند یک مانیفست جمعی با تکیه بر هنر سینما، علیه دیکتاتورها، علیه اختناق، علیه تاریک اندیشی و نابرابری های اجتماعی و سیاسی روشنگری کند و در راستای تحقق عدالت اجتماعی و برابری، و آزادی و همزیستی مشترک جدا از نفرت های قومی، مذهبی، نژادی و جنسی، برای تحقق جهانی انسانی، آگاهی های اجتماعی - عمومی را تقویت کند.»

برنامه فوق العاده:

- شب همبستگی با «روژ آوا»: علیه سانسور و اختناق در ترکیه، در محکومیت حمله ترکیه به روژ آوا، و در همبستگی با مبارزات مردم آن جا.
- برنامه نمایش فلم همراه با سخنرانی.
- در این دوره از جشنواره، آثار انتخاب شده از سینماگران ایرانی، به ویژه سینماگران زن، بخش عمده ای از جشنواره را تشکیل می دهد. از جمله:
- مریم زارع با فلم تولد در اوین که درباره زندگی خود و خانواده سیاسی فلم ساز است که در زندان اوین متولد شده است.
- دلناز آبادی با فلم فتوای محرمانه - درباره کشتارهای تابستان ۱۳۶۷
- اطاق انتظار: ساخته غزاله گل بخش، درباره دغدغه های پناهجویان در لحظه های انتظار برای بازجویی های اداره مهاجرت.
- ویدا - ساخته بیتا الاهیان - داستان مادری که بعد از فرمان ترمپ درباره جلوگیری از ورود ایرانیان، امکان دیدار دخترش را از دست می دهد.
- روز تولد - ساخته نگین کیان فر، فلمی تکان دهنده درباره وضعیت دگر جنسی ها در ایران و فلم سازانی دیگری از جمله:
- پرویز صیاد: فلم سرحد؛ درامی بر بستر تحولات اشغال سفارت امریکا در تهران و فرمان کارتر در خصوص جلوگیری از ورود ایرانیان به امریکا.
- ارسلان براهنی: خدای بازیگر، کنکاشی فلسفی تصویری درباره وجود و هستی.
- امین ضرغام: سال های ترس؛ بازگویی تصویری، صادقانه و صمیمانه از دوران کودکی. جوانی فلم ساز، از خانواده ای بهائی.
- ما همه باورمندان به امکان پذیری دنیای دیگر، همه دوست داران سینمای متفاوت، حقیقت جو و نوگرا را به شرکت در برنامه های این دوره دعوت می کنیم.

«جشنواره سینمای ایران در تبعید»، کار خود را از سال ۱۹۹۳ آغاز کرده است در سال های نخست، فقط روی سینماگران و تماشاگران ایرانی متمرکز بود. این جشنواره، از لحاظ تاریخی و شرایط موجود یک حرکت فرهنگی - اجتماعی منحصر به فرد بود و از زوایای مختلف می توان به نقد و بررسی آن پرداخت. چرا که برای اولین بار در تاریخ سینما، سینماگران ایرانی در تبعید، جشنواره سینمای خود را برپا می کردند.

اما بعد از برگزاری چند دوره این جشنواره و آشنائی بیش تر با دنیای تبعید، جمع بندی دست اندرکاران این جشنواره به ویژه حسین مهینی، پیشنهادات و برخوردهای سینماگران و تماشاگران و هم چنین مجموعه رویدادهای و استقبال از آن، عواملی بودند که جشنواره مورد نظر، از چهارچوب ایرانیان تبعیدی فراتر برود و ابعاد جهان شمول به خودش بگیرد. و تعریفی جدیدی از جشنواره به دست بدهد. برای مثال، هرچند همه پناهندگان و تبعیدیانی که از خاورمیانه و یا حتی امریکای لاتین و قاره های هند و آفریقا می آیند با وجود تفاوت های فرهنگی و اجتماعی که دارند اما درد مشترک و تقریباً راه حل های مشترک نیز دارند. دردها، آرمان ها و آرزو های مشترک آن ها مبارزه با سختی های تبعید، حکومت های استبدادی کشورهای خودشان با هدف سرنگونی آن ها و برقراری سیستم های

آزاد، برابر و انسانی و پایان دادن به جنگ و سرکوب و اختناق است. آن‌ها با این اهداف به همدیگر نزدیک تر می‌شوند و روابط و مناسبات و همبستگی خود را در ابعاد جهانی گسترش می‌دهند. یعنی هر کدام از تبعیدیان در عین حالی که ویژگی‌های خاص فرهنگی خود را دارند، ولی در عین حال اشتراکات زیادی با همدیگر دارند.

به علاوه اگر این جشنواره در همان چهارچوب هنرمندان و فلم‌سازان و تماشاگران ایرانی باقی می‌ماند چه بسا دور خود، یک دیوار چینی می‌کشید و نمی‌توانست تا به امروز این بار سنگین فرهنگی و هنری مترقی و پیشرو و انسان دوستانه و روشنگرانه را بکشد و به اهدافی که در مقابل خود قرار داده بود، دست پیدا کند. بنابراین، باز کردن صادقانه درهای جشنواره به روی سینماگران و هنرمندان جهان، هم مبارزه علیه حکومت چهل و جنایت اسلامی ایران را در ابعاد جهانی تقویت کرده و هم ملیت‌های مختلف با میانجی‌گری این جشنواره، شناخت بیش تر و نزدیک تری از فرهنگ‌ها و هنرهای مساوات‌طلبانه و عدالت‌جویانه خود پیدا کرده‌اند.

علاوه بر این دلایل و مسائل، انسان‌های آواره و تبعیدی تفاوت زیادی با همدیگر ندارند. وقتی این جشنواره با صدای بلند می‌گوید: «دنیا خانه من است»، صریحاً به بهترین وجهی همبستگی و هم‌دردی و هم‌جهتی خود را با جهان بشری اعلام می‌کند. یعنی انسانی تبعیدی از هر کجای دنیا هم آمده باشد، وارد جامعه‌جدیدی می‌شود و در این گذار، وجوه مشترک و زوایای مثبت جامعه قبلی و فعلی را با هم وفق می‌دهد و فارغ از ملیت، به یک فرهنگ آزاد و برابر جهانی یاری می‌رساند. در واقع من انسان تبعیدی، آگاهانه و داوطلبانه موظفم برای بقای دوام و بهتر شدن این جهان و آن هم از زوایای مختلف فرهنگی، هنری، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی یاری برسانم و در تبلیغ و ترویج همبستگی انسانی کوشا باشم و دردهای مشترک و راه حل‌های مشترک انسان‌ها را با صدای بلند و رسا، فریاد بزنم. کاری که سال‌هاست جشنواره سینمای در تبعید، سخت مشغول آن است و در این سال‌های طولانی، با کلیه سختی‌ها و موانعی که بر سر راهش بود غلبه کرده و پیش رفته است. این جشنواره، تاریخ واقعی خود را ساخته است که هر تاریخ‌نویس و محقق و تحلیل‌گری با مراجعه به آن و بدون اغراق می‌تواند ده‌ها تحلیل، مقاله، کتاب و فلم تهیه و تدوین کند.

همگان می‌دانند سینما برگرفته از مسائل جامعه‌شناختی و موضوعاتی است که در دل جامعه وجود دارد. با این وجود این مسأله در جهان یا دست کم در ایران، کم‌تر مورد تحقیق قرار گرفته است.

امروزه نقش و تاثیر سینما بر تمامی نهادهای زندگی بشر بر همه روشن است. سرمایه، وقت و انرژی که برای تولید فلم در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا صرف می‌شود، حاکی از آن است که نتیجه قطعی تاثیر سینما در حوزه‌های مختلف به اثبات رسیده است.

برای بسیاری از دست‌اندرکاران و سرمایه‌گذاران سینما و جشنواره‌ها، نقش هدایت‌گر و راه‌بردی آن در ایجاد ذهنیت افکار عمومی و ایجاد پشتوانه ذهنی و بسترسازی فرهنگی ثابت شده است.

روزانه صدها فلم در سینماهای مختلف دنیا به روی پرده می‌رود. و حاصل آن میلیاردها دلار درآمد برای شرکت‌های فلم‌سازی و سرگرمی میلیون‌ها انسان در سراسر این کره خاکی است. دیگر امروزه فلم و سینما جزء جدائی‌ناپذیری از زندگی آدمی است.

در کشورهای توسعه‌یافته که مردم برنامه‌مشنخصی برای سینما رفتن و فلم دیدن دارند این وابستگی بیش تر مشهود و ملموس است. در کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه نیز به تبع سینما مخاطبان خاص خود را دارد.

کافی ست کمی به اطراف خود بنگریم آن وقت تاثیر سینما را بر زندگی و اجتماع خود خواهیم دید. مثلاً در هنگام برگزاری جشنواره‌ها و مشخصاً در این جا جشنواره سینمای ایران در تبعید - گوتنبرگ، اکران فلم‌ها، کم‌ترین

شباهتی به سینمای سرمایه داری ندارد. چرا که فیلم های بارای مرسوم در این جشنواره به نمایش در نمی آید و فلم ها با اهداف خاص فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جهان بینی انتخاب می شوند. همان طور که از معرفی فلم ها می بینیم به سادگی متوجه می شویم که این فلم ها به طور کلی دردها و رنج ها و مشغله های مردمی را به نمایش می گذارند. در این فلم ها، از تحولات انقلابی روز آوا گرفته تا مسأله زنان و پناه جویان و ادبیات از منظر انسان دوستی، آزادی، برابری، دموکراسی و جهان شمول را تصویر کشیده شده اند. در این فلم ها، دیدگاه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرایشات مختلف سرمایه داری هم چون نئولیبرالیستی، ناسیونالیستی، فاشیستی، نژادپرستی، مذهبی، نابرابری، جنگ طلبی، خشونت و استثمار انسان از انسان به نقد کشیده می شوند و دنیائی عاری از تبعیض و ستم و خشونت و در یک کلام انسانی را در مقابل بینندگان قرار می دهد.

به این ترتیب، فلم و سینما به عنوان مهم ترین وسایل ارتباط جمعی در زندگی روزمره افراد، روابط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ساختار زندگی انسان ها، چگونگی برقراری ارتباطات درون گروهی و برون گروهی و حتی اندیشه هر فرد برای چگونه زیستن، تاثیرگذار است. به طوری که می توان تاکید کرد باورها، اندیشه ها، عقاید، نگرش ها و در یک روند کلی، فلسفه زندگی انسان ها از جمله با فلم شکل می گیرد، تغییر می کند، اصلاح یا تخریب می شود و...

برای مثال، احتمال دارد تماشای یک فلم احساسی و عاطفی، سنگ دل ترین انسان ها را نیز به روابط عاطفی و هم زیستی مسالمت آمیز و دوستانه تشویق کند؛ و هم زمان فلم دیگری می تواند به نفرت ملی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی دامن بزند و مشوق خصومت و دشمنی بین انسان ها باشد. از این رو، با اندکی دقت در زندگی روزانه افراد، می توان به نقش فلم در سلیقه سازی و پرورش افکار عمومی پی برد و دریافت که از این راه، باورها، اندیشه ها و سلیقه های نو و خلاق و پویا در افراد قوت گرفته و بازتولید می شود. در نتیجه فلم ساز و مدیران جشنواره ها، با استفاده از فنون سینمایی و به کارگیری موضوعات خاص، می توانند جامعه را به مراتب عالی انسانی رهنمون نمایند.

گاه تاثیر فلم های سیاسی - اجتماعی از حد تقلید آنی فراتر می رود و مدت ها زندگی فرد را دگرگون می کند و ساخت شخصیتی او را تثبیت یا تغییر می دهد. چرا که بسیاری نقش خود و خواسته ها، آرزوها و احساسات خود را در فلم ها می بینند.

برخی منتقدان و جامعه شناسان تاثیر سینما بر جامعه را از زوایای مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داده اند. در بحث و بررسی و نقد از سینمای جوامع و کشورها می توان رنگ و بو و مضامین فیلم ها را بر اساس ویژگی ها و ساخت های فرهنگی - اجتماعی آنان درک کرد. بدین ترتیب، سینما را نمی توان جدا از وضعیت مناسبات اجتماعی، ادبی، موسیقی، نمایشی، معماری و دیگر هنرهای يك جامعه دانست.

در نتیجه اغلب هنرمندان و فلم سازانی که آثار آن ها در این جشنواره به تماشای عموم گذاشته شده است تبعیدیانی هستند که با تجارب تلخ و شیرین گذشته، اما چشم به آینده بهتری دارند که در مبارزه با جنگ های فرقه ای مذهبی، ملی و منطقه ای نقش فعال خود را ایفا کنند و در مبارزه مشترک همه پیکارگران راه آزادی، به خانه خرابی ها و آوارگی انسان ها پایان دهند و دنیای شایسته انسان بسازند. مهم تر از همه، بساط حکومت های دیکتاتوری و ستم گر و استثمارگر را با خیزش ها و قیام ها و انقلابات مردمی برچینند تا جوامع بشری فارغ از مرزهای جغرافیائی، ملیتی، جنسیتی، باورهای سیاسی و عقاید مذهبی در کنار هم و در همبستگی با هم زندگی شاد و سالم و آزاد و برابری داشته باشند.

با توجه به همه این مسائل، به این نتیجه می‌رسیم که تاکنون این جشنواره، توانسته است با ملیت‌های دیگر و در کنار آنان عرصه‌وسیع‌تری از روابط و مناسبات انسانی را ایجاد کند و به همین دلیل، طبیعی است که فلم‌سازان و هم‌شرکت‌کنندگان و هم‌دست‌اندرکاران این جشنواره، ارزش کار و فعالیت‌های خود را بدانند و موقعیت کنونی خود را به مراحل بالاتری ارتقا دهند. این جشنواره و حضور فلم‌ساز در خارج از کشورش، حضور اجتماعی‌اش به عنوان یک تبعیدی، فارغ از هر مسأله‌ای و برداشتی، اساساً یک حضور سیاسی است و طبیعتاً در آثار آن، عشق به انسان، به مبارزه، به همبستگی و عشق به طبیعت جاری است.

بی‌گمان تعریف‌های متعددی از سینمای تبعید وجود دارد. اما سینمای تبعید یک تولید سینمایی و یک فرایند هنری نباید در خدمت بازار سرمایه‌داری و فرهنگ عامه‌پسند قرار گیرد، بلکه باید در موقعیت تبعید و معضلات و خواسته‌ها و آرزوهای تبعیدیان را برآورده سازد. این موقعیت هم به طور طبیعی، موقعیتی سیاسی - اجتماعی است. سیاستی که درباره دلایل و عوامل آوارگی و پناهندگی و تبعیدی‌روشنگری می‌کند و نشان می‌دهد که به چه دلیل و در چه شرایطی، فلم‌ساز جامعه خود را ترک کرده و در این جا و در دنیای تبعید حضور دارد؟!

البته باید تاکید کنم که فلم‌ساز و به طور کلی هنرمندان، قرار نیست بار مسئولیت سیاسی سازمان‌ها و احزاب سیاسی را بر دوش بکشند، بلکه آن‌ها با قلم، بیان، تابلو، کاریکاتور، فلم، شعر، قصه، داستان، نقد، تحقیق و بررسی خود، در موقعیت سیاسی قرار گیرند و به همین دلیل، فلم‌ساز در تولید فلم خود می‌تواند مستقیم و یا غیرمستقیم به سیاست‌پرداز بدون این که شعار سیاسی بدهد.

به این ترتیب، کار جشنواره سینمای در تبعید را نیز باید در همین راستا دید. کار این جشنواره، فرهنگی است اما فرهنگ آزادی‌خواه، برابری‌طلب، عدالت‌جو و حق‌طلب است و از این زوایه در مقابل همه عواملی که حق و حقوق انسان‌ها را زیر پا می‌گذارند و آزادی او را محدود و یا سرکوب می‌کنند موضع‌گیری می‌کند. و از این طریق، خواه ناخواه از زاویه فرهنگی وارد سیاست‌های جاری جامعه می‌شود و نقش مستقل خود را ایفا می‌کند. در عین حال، پروسه‌یک‌کار فرهنگی، یک حرکت آکسیونی نیست، بلکه هم‌زمان بر و هم‌طولانی است و به همین دلیل، به صبر و حوصله زیادی نیاز دارد.

واقعیت این است که این جشنواره، تاثیر خود را هم در میان فلم‌سازان و هم در میان مخاطبین در عرصه‌های مختلف، به خصوص در عرصه‌فرهنگ سینما داشته است. از این رو، بی‌دلیل نیست که از این جشنواره، کارهای تحقیقی وسیعی در سطح آکادمی‌های مختلف انجام شده و بر روی فلسفه وجودی سینمای تبعید متمرکز شده‌اند.

یک ویژگی مهم دیگر جشنواره سینمای در تبعید، این است که پشت‌کاری و پیگیری تحسین‌برانگیزی داشته و تاریخ مستمر خود را ساخته است. در حالی که در این نزدیک به چهار دهه تبعید شدن بسیاری از ایرانیان از جهنم حکومت اسلامی ایران، آن‌ها تشکلهای مختلف سیاسی، هنری و فرهنگی تاسیس کرده‌اند اما متأسفانه پس از مدتی به دلایل مختلف، این تشکلهای از هم پاشیده شده‌اند به طوری که حتی امروز هیچ‌آثاری هم از آن‌ها باقی نمانده است. احزاب سیاسی قدرت‌مندی فروپاشیده‌اند و در بین اعضا و هواداران خود یاس و سرخوردگی شدیدی به وجود آورده‌اند. البته در این جا، قصد من مقایسه جایگاه احزاب و تشکلهای فرهنگی و هنری هم‌چون جشنواره سینمای در تبعید نیست اما به نظر یک مقایسه در هر تشکلی و فعالیتی مهم است و آن هم، تضمین ادامه‌کاری، ماندگاری و تاریخ‌سازی و تاثیر آن است. در شرایط فعلی، در اثر بحران‌هایی که در جهان وجود دارد، امروز تمام جهان، از یک سو درگیر اعتراض‌ها و نابسامانی‌ها و سرکوب‌ها و جنگ‌ها و از سوی دیگر، خیزش‌های مردمی مواجه است. اکنون نشانه‌های زیادی در جهت تغییر جهان و وضع موجود به چشم می‌خورد.

ما اکنون در یک مقطع تاریخی بسیار حساس و سرنوشت سازی به سر می بریم. هم اکنون مردم برخی کشورها، از خاورمیانه تا امریکای لاتین و از هند تا اروپا، به خیابان ها آمده اند تا حق و حقوق خود را از حلقوم سیستم سرمایه داری جهانی ستم گر و استثمارگر بگیرند. چرا که اگر جهان سرمایه داری به همین شکل بخواهد ادامه پیدا کند، هم انسان ها و هم محیط زیست به حدی تخریب و ویران خواهد شد که دیگر دنیای قابل زیستی برای انسان و سایر موجودات زنده باقی نخواهد ماند به همین جهت، تلاش بخش آگاه شهروندان جهان، برای تغییر وضع موجود به نفع کارگران، محرومان، ستم دیدگان و تبعیدیان است؛ تغییر در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...

از همین زاویه امسال هم جشنواره سینمای تبعید، سعی کرده است مجموعه فلم هائی را تهیه و به صحنه بیاورد که در این مبارزات جاری برای تغییر وضع موجود، سهم خود را ادا کند!

کارنامه بیش نزدیک به دو دهه حضور فعال جشنواره بین المللی سینمای تبعید و فعالیت در جهت فعالیت فرهنگی و هنری جهان شمول، بسیار شفاف و موثر و قابل لمس است. جشنواره سینمای در تبعید با فراهم کردن امکان نمایش گسترده آثار سینماگران تبعیدی، در راستای دفاع از آزادی بیان و اندیشه، آزادی همگانی، برابری و عدالت اجتماعی گام برمی دارد. کوشش جشنواره سینمای در تبعید، روشنگری و همبستگی در مبارزه با عقب ماندگی فرهنگی و هنری حکومت های مستبد و دیکتاتوری تاثیر گذار بوده است. چرا که حکومت های دیکتاتوری شوونیستی، ناسیونالیستی، مذهبی، میلیتاریستی، فاشیستی و نولیبرالیسم، عاملان اصلی آوارگی و پناهندگی انسان ها در ابعاد جهانی هستند. از این رو، جشنواره سینمای در تبعید، در جهت تقویت همبستگی فرهنگ ها و ملیت های مختلف، هم زیستی مسالمت آمیز بین آن ها و رشد و گسترش فرهنگ خلاق و بالنده تبعیدیان در کشورهای پناهنده پذیر تلاش می کند. بنابراین، روشن است که محور اصلی برنامه های جشنواره، نمایش آثار سینماگران تبعیدی و مهاجر باشد.

در این سال های طولانی و تا آن جا که من از دور و نزدیک شاهد بودم جشنواره سینمای در تبعید، به ویژه تلاش های شبانه روزی رفیق عزیزم حسین مهینی بودم فلم های بخش اصلی تاکنونی جشنواره، فلم های سینماگران تبعیدی و مهاجر بوده اند که تجربه جهانی را پشت سر خود داشتند. چهارچوب این فلم ها نیز وسیع است؛ فلم هائی در اشکال مستند، داستانی، نقاشی متحرک و یا تجربی. بخش های جنبی آن نیز آثار سینماگران غیرتبعیدی و غیرمهاجر است که سناریو و موضوع فلم های آن ها مربوط به مسائل و معضلات و زندگی تبعیدیان و مهاجرین بوده است.

همه ماهائی که پروسه گاه طولانی و سخت آواره گی، پناهندگی و تبعیدی را تجربه کرده ایم به خوبی می دانیم که دنیای آن تبعیدیانی که عوامل تبعیدی شان زورگوئی، سانسور، سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام حکومت های مستبد است و سخت ترین شرایط و تجربه را پشت سر گذاشته اند تحقق و بقای و دوام جشنواره ای با موضوع «تبعید» اقدامی مهم و ارزنده و برجسته است. چرا که ابعاد و اعماق و دامنه آن از محدوده هنر فیلم فراتر می رود و پیوندهای ماندگار همبستگی و رفاقت بین خلق های مختلف را محکم تر می کند. از این رو، به نظرم این جشنواره با جشنواره های بازاری و سرمایه گذاری بسیار متفاوت و فاصله طبقاتی دارد و کاری ست بس عظیم، ماندگار، تاریخ ساز و تحسین برانگیز!

آن هم در زمانی که بازار سینما و سایر عرصه های هنری را در کنترل خود گرفته، و زمانی که بازار، سینما را محاصره و در آن سرمایه گذاری همه جانبه ای می کند سینما را صرفا به یک کالای مصرفی تقلیل می دهد،

نمایشی از تسلیم و تخریب خود را در این عرصه نیز نشان می دهد، حقیقتاً وجود چنین جشنواره ای برای سینماگران رادیکال و مردمی، به ویژه برای هنرمندان جوان، یک امکان بزرگی است که هنر انقلابی و مردمی خود را به نمایش عموم بگذارند. این هم موفقیت بزرگی برای گرایشات رادیکال و متعهد و مردم سینماگران و هنرمندان تبعیدی، یک دستاورد مهمی محسوب می شود.

جشنواره سینمای تبعید، تلاشی برای نمایش آن دسته از فیلم های با ارزشی در میان فلم های بازاری و غیرتجاری است که اکران شان می تواند جایگاه شایسته و درخور سازندگان تبعیدی آن ها و تماشاگران را در جامعه سینمایی روشن کند و به ارتقای دانش سینمایی تماشاگران و ارتقای کیفیت هنری سینمای در تبعید کمک شایانی کند.

سرانجام می خواهم این موفقیت را به رفیق عزیزم حسین مهینی و حامیان و همکارانش که با صداقت، بدون چشم داشت و با سختی ها و مشکلات مادی و معنوی، این جشنواره را تا به امروز منظم و پربار و جذاب برگزار کرده اند و هم چنان در این راستا سخت می کوشند تبریک و تهنیت می گویم. بسیار متاسفم که به دلیل کسالت نتوانستم دعوت حسین عزیز را برای شرکت در این جشنواره ارزش مند و پویا و خاطره برانگیز، برآورده کنم و در کنار ایشان و همکاران و مهمانانش باشم!

مطلب را با شعر زیبایی از ناظم حکمت به پایان می برم:

به تو می اندیشم

بوی مادرم به مشام می رسد

بوی مادرم که زیبای دنیاست

سوار شده ام

بر چرخ فلک عید دورنم

تو می چرخ

دامن ها و گیسوانت ات پرواز می کنند

چهره سرخ شده ات را

گم می کنم و باز می یابم

سبب چیست

که تو را چون زخم چاقویی به یاد می آورم؟

سبب چیست

در حالی که دوری

صدایت را می شنوم و

از جا می پرسم

از چیست؟

زانو می زنم و

به دست هایت خیره می شوم

دوست دارم
دست هایت را بگیرم

اما نمی توانم
تو در آن سوی شیشه هستی.
من تماشاگر مبهوت نمایشی هستم
که تو در تاریک روش من
بازی می کنی.

پنجشنبه شانزدهم آبان [عقرب] ۱۳۹۸ - هفتم نومبر ۲۰۱۹

*تماس با دفتر جشنواره بین المللی سینمای تبعید- سویدن

www.exilefilmfestival.com

info@exilefilmfestival.com

exile.filmfestival.com